

روز شمار

یکشنبه

۱۳۵۸/۲/۲۳

۱۶ جمادی الثانی ۱۳۹۹

۱۳ مه ۱۹۷۹

۷۴

در پی سخنان شدیدالحن آیت الله " شبیرخاقانی " علیه کانون فرهنگی - نظامی جوانان مسلمان خرمشهر ، ساختمان این کانون مورد حمله عناصر سازمان سیاسی خلق عرب قرار گرفت و به آتش کشیده شد . به نوشته روزنامه اطلاعات در پی انتشار اعلامیه‌ای به امضای چند تن از کسبه ، بازاریان و اصناف مختلف در خرمشهر که گفته شد در آن بی حرمتی‌هایی به آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیرخاقانی شده است ، گروهی از جوانان مذهبی و نمایندگان دبیرستان ۲۲ بهمن خرمشهر و گروهی از اعضای خلق عرب در فرمانداری این شهر به عنوان اعتراض متحصن شدند . پس از آن که مولوی معاون فرماندار خرمشهر و نمایندگان آیت الله شیخ شبیرخاقانی به آنان قول دادند که محرکان صدور اعلامیه بزودی شناسایی و مجازات خواهند شد ، به تحصن خود پایان دادند . همچنین عده زیادی از افراد خلق عرب در مسجد امام صادق ( ع ) خرمشهر اجتماع کردند و به صدور این اعلامیه اعتراض نمودند .

شبیرخاقانی در این اجتماع گفت که همه مسلمانان با هم برادرند ولی برخی از ماموران دولتی می خواهند دو دستگی و نفاق افکنی کنند تا شاید بتوانند برای سروران خود در شرق یا غرب خدمتی کرده باشند . وی ضمن انتقاد شدید از استاندار خوزستان ، فرمانده پایگاه دریایی و کانون فرهنگی - نظامی جوانان مسلمان خرمشهر افزود : « علی‌رغم تلاش من برای پایان دادن به هرگونه نفاق افکنی و دعوت برای اتحاد و یکپارچگی ، عده‌ای با نام کانون نظامی - فرهنگی به تحریک چند تن از مقام‌های محل اعلامیه‌هایی نوشته و من و فرزندانم را تهدید به ترور کرده‌اند . » شیخ شبیر اضافه کرد : « من با صراحت می‌گویم که کردها ، ترک‌ها ، بلوچ‌ها و الیگودرزها و فارس‌های قدیم این منطقه هیچ گونه سوءنظری به ما ندارند ولی به تحریک عده‌ای دیگر می‌خواهند در این منطقه بلوا ایجاد کنند . من از همه مقلدین خود و بالاخص خلق عرب مسلمان خوزستان می‌خواهم که با متانت متوجه این گونه دسیسه‌ها و دودستگی‌ها باشند . با وجودی که این خود فروختگان نسبت به این جانب توهین کرده‌اند ، صبر را پیشه می‌کنیم تا بهانه‌ای به دست

این نوکران استعمار ندهیم . « (۱)

در پی سخنان شیخ شبیرخاقانی عده‌ای با شعار “فلیسقط الکانون” (کانون فرهنگی - نظامی نابود باید گردد .) پس از ترک مسجد با تیراندازی هوایی ، به سوی ساختمان کانون و ستاد پاسداران حمله ور شدند . طی این حمله به کانون ، ساختمان آن به آتش کشیده شد و ستاد انتظامات - که سه طبقه بود - فرو ریخت . مهاجمان حدود ۱۹ تن از برادران مستقر در کانون از جمله محمد جهان آرا مسئول کانون و سه متهم به همکاری با ساواک را به گروگان گرفتند و به سازمان سیاسی خلق عرب بردند . (۲) (خبر ضمیمه دارد .) روزنامه اطلاعات با اعلام این خبر که در این درگیری‌ها سه نفر از دو طرف مجروح شدند ، نوشت : « در مدتی که ساختمان بیست اتاقی کانون نظامی و فرهنگی خرمشهر به آتش کشیده شد ، عده‌ای از افراد کانون سیاسی خلق عرب با هلهله و شادی تیره‌ای هوایی شلیک می‌کردند . « این روزنامه افزود : « ماموران انتظامی خرمشهر از دخالت در این ماجرا خودداری کردند . « (۳)

روزنامه کیهان نیز طی گزارشی در این باره نوشت : « در برخورد مسلحانه اعضای سازمان سیاسی خلق عرب خرمشهر با پاسداران انقلاب و اعضای کانون فرهنگی و نظامی خرمشهر که بعد از ظهر ۵۸/۲/۲۳ رخ داد ۸ نفر بشدت مجروح شدند و ۲ ساختمان بزرگ و سه اتومبیل سواری طعمه حریق شد و بکلی سوخت . از سوی دیگر ، ۱۹ نفر توسط اعضای سازمان سیاسی خلق عرب گروگان گرفته شدند . « این روزنامه به نقل از شیخ محمدکاظم آل شبیرخاقانی ( پسر آیت الله خاقانی ) نوشت : « این برخورد در پی سخنرانی آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیرخاقانی صورت گرفت . آیت الله چندی پیش به دستگیری دو تن از بازرگانان معروف خرمشهری اعتراض کرد و به دنبال آن ، اطلاعیه‌ای از سوی گروهی از “ کسبه ، بازاریان و مسلمانان خوزستان ” در اعتراض به آیت الله خاقانی در شهر منتشر شد . آیت الله خاقانی ساعت ۴ بعدازظهر امروز طی سخنرانی در مسجد امام جعفرصادق ( ع ) ، استاندار خوزستان و ناخدا خوشنام فرمانده پایگاه دریایی خرمشهر را مورد انتقاد قرار داد و سپس از مردم خواست که اتحاد و یگانگی و آرامش خود را حفظ کنند . ایشان در سخنرانی خود همچنین کانون فرهنگی و نظامی خرمشهر را متشکل از افرادی خواند که وابسته به بیگانگان هستند و مردم را تحریک می‌کنند و حتی اعلامیه‌ای علیه من داده‌اند . در پی سخنرانی آیت الله خاقانی گروهی پس از ترک مسجد با تیراندازی هوایی ، به سوی مرکز ستاد خود ( ستاد سیاسی خلق عرب خرمشهر ) روانه شدند ولی هنگامی که از کنار ساختمان کانون فرهنگی و نظامی و همچنین ساختمان سابق ستاد کمیته انقلاب اسلامی عبور می‌کردند ، درگیری مسلحانه آغاز شد به طوری که در زمانی کوتاه دو ساختمان مقر سازمان‌های مزبور طعمه حریق شد و اثاثیه و اموال ضبطشده عمال رژیم سابق که در این ساختمان‌ها نگهداری می‌شد ، بکلی سوخت . « به نوشته کیهان ، اعضای سازمان سیاسی خلق عرب خرمشهر در پی درگیری ، ۱۶ تن از اعضای کانون فرهنگی - نظامی و پاسداران انقلاب را به گروگان گرفتند . همچنین سه نفر از اعضا و کارمندان سابق ساواک خرمشهر که به وسیله کانون یادشده زندانی

شده بودند و قرار بود بزودی محاکمه شوند ، به دست اعضای سازمان سیاسی خلق عرب افتادند . در پی این گروگان گیری ، علوی فرماندار خرمشهر جلسه‌ای با حضور ده‌ها تن از مقامات و معتمدان شهر از جمله روحانیان و با حضور فرمانده پایگاه دریایی خرمشهر ، رئیس شهربانی و فرمانده ژاندارمری تشکیل داد و بویژه از روحانیان خواست برای آزادی گروگان‌ها اقدام کنند . وی در این جلسه اعلام کرد تا آزادی گروگان‌ها حاضر به ترک محل فرمانداری نیست زیرا درگیری به نفع هیچ کس تمام نخواهد شد . به دنبال مذاکره مفصل روحانیان با طرف‌های درگیر ، مقارن ساعت یک بامداد ( ۵۸/۲/۲۴ ) گروگان‌ها آزاد شدند . عده‌ای از آنها در فرمانداری اظهار کردند که مورد ضرب و شتم قرار گرفته و از آنان خواسته‌اند که از شرکت در سپاه پاسداران انقلاب منطقه خودداری کنند . یکی از افراد کانون فرهنگی - نظامی خرمشهر در این زمینه اظهار کرد : تنی چند از پاسداران انقلاب از تهران برای تشکیل سپاه پاسداران انقلاب به خرمشهر آمده‌اند . (۴)

خبرگزاری پارس در گزارشی اعلام کرد : « به دنبال دستور استاندار خوزستان مبنی بر تشکیل شورای امنیت شهر خرمشهر و آبادان ، این شورا فور تشکیل جلسه داد تا به جریان امر رسیدگی کند . (۵)

## ۷۵

در توضیح آنچه در خرمشهر می‌گذرد ، کارهای تبلیغاتی و افشاگرانه ، از اقدامات و برنامه‌های نیروهای مذهبی - انقلابی محسوب می‌شود ؛ از جمله می‌توان به یک جمع بندی مفصل که با امضای « دانش آموزان مسلمان خرمشهر » انتشار یافت ، اشاره کرد که در آن ، اطلاعات مهمی از طرف‌های درگیر ، مندرج است . در این جمع بندی نخست به معرفی گروه‌های فعال در خرمشهر پرداخته شده که به شرح زیر است :

« بعد از ۲۹ بهمن ( ۱۳۵۷ ) سازمان‌های سیاسی و فرهنگی زیر در خرمشهر تاسیس گردیدند :

۱ - المنظمه السياسيه ( سازمان سیاسی ) : در خرمشهر ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی این سازمان بر هیچ کس پوشیده نیست . همان روسای قبایل عرب که تا دیروز تفنگ‌های برنو هدیه همایونی شان بود ، همان عواملی که تا دیروز چماق به دست‌های خرمشهر را راه می‌انداختند و بر کسی پوشیده نیست که همگی آنها عوامل سرسپرده رژیم سابق و از افراد عالی رتبه ساواک بودند ، اکنون دست به دست داده و به عنوان دفاع از حقوق شرعی خلق عرب سرپوش بر ماهیت کثیف ضدانقلابی شان می‌گذارند و ما شاهد بودیم و شاهدیم که چگونه عوامل برون مرزی و حتی بعضی برای آنان داد سخن می‌داده‌اند و ندای : « نحن العرب و هنا عربستان » را ساز می‌کرده‌اند .

۲ - مرکز الثقافيه ( کانون فرهنگی ) : سازمانی است غیر اسلامی که به قول خودشان می‌گویند : « این جا هرکس که می‌تواند به فرهنگ عرب خدمت کند ، می‌تواند در این جا فعالیت نماید . » عده‌ای از روشنفکرانها و فرنگ رفته‌های غرب زده از چپ و راست در این مرکز جمع شده‌اند و اینها رهبری فکری « المنظمه السياسيه » را به دست گرفته و المنظمه که تا دندان مسلح

است ، چماقی در دست اینان شده است .

۳ - کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر : عناصر اصلی این سازمان عناصر مبارزی هستند که سابقه مبارزات طولانی آنها بر همه کس آشکار است . اینها عناصری هستند که در رژیم طاغوتی مهر خرابکار و ضدملی بر تارک نورانی شان خورده بود و سالها در به در و بی خانمان بوده‌اند . سالها در شکنجه گاهها و زندانهای مخوف رژیم بسر برده‌اند و اکنون هم خود را با تمام وجود در خدمت انقلاب اسلامی و در خدمت خلق مستضعف ما گذاشته و بدون هیچ گونه ادعایی در این راه از جان و مال خود گذشته‌اند . کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر که می‌توان گفت تنها سازمان اسلامی خرمشهر است و در حدود ۷۰ درصد از جوانان انقلابی و مومن این کانون را برادران عرب و فداکار ما تشکیل داده‌اند .

در اطلاعیه دانش آموزان مسلمان خرمشهر پس از معرفی جناح‌های مختلف خرمشهر ، به بررسی سیر واقعه امروز به شرح زیر پرداخته شده است : « چند روز پیش از این واقعه ( حمله به کانون فرهنگی - نظامی ) شیخ محمد طاهر آل شبیرخاقانی در منبر حمله شدیدی به دولت کرد و گفت که بعضی از عوامل دولت بازرگان از امریکا حقوق می‌گیرند و فقط به بازرگان اعتماد دارم . همین طور دادگاه‌های انقلاب اسلامی را مورد حمله قرار داد و گفت که این دادگاهها منطبق بر موازین شرعی نیست و همین طور به عنوان اعتراض به دستگیری چند تن از عوامل سرمایه دار و فاسد شهر ، اعلام کرد که اگر کمیته‌ها دست از این اعمال برندارند ، خرمشهر را ترک خواهیم گفت . به دنبال این جریان ، اطلاعیه‌ای از طرف گروهی از بازاریان خرمشهر منتشر شد و در مورد مسائل بالا چند سوال از شیخ محمد طاهر شده بود . از آنجایی که شیخ محمد طاهر تحت تاثیر همان جریان ضدانقلابی قرار گرفته‌اند ، به عنوان دفاع از " حقوق شرعی خلق عرب " به حمایت المنظمه و مرکز ثقافیه پرداختند و هرگونه اعتراضی که به این جریان می‌شود ، صورت دیگری به آن می‌دهند و مسئله را به صورت عرب و عجمی مطرح می‌کنند ، درحالی که اصلا و ابد این مسئله در خرمشهر نیست و اختلافات نژادی نیست بلکه اعتراضات به آن جریانات ضدانقلابی می‌باشد که اکنون صورت دیگری به خود گرفته است . پس از پخش اعلامیه کسبه و اهل بازار ، المنظمه و مرکز ثقافیه مبادرت به یک راهپیمایی به عنوان پشتیبانی از شیخ کردند درحالی که قبلا خود را با تمام تجهیزات سرد و گرم آماده کرده بودند که پس از پایان این راهپیمایی ، این حمله جنایتکارانه خود را به کانون فرهنگی - نظامی انجام دهند ، چرا که این کانون را سدی می‌دیدند در مقابل خواست‌های ضدانقلابی و نامشروعشان .

جریان حمله به کانون فرهنگی از خیلی وقت پیش طراحی شده بود و اینها درصدد فرصتی مناسب بودند تا این حمله را جلوه‌ای مظلومانه و حق طلبانه بدهند و در پی یک حرکت مذهبی و در تحت لوای حمایت از شیخ محمد طاهر به خواسته کثیف خود صورت عمل بپوشانند . در ساعت ۵ بعد از ظهر همان روز ( ۵۸/۲/۲۳ ) شیخ محمد طاهر در مسجد امام صادق ( ع ) به عنوان تشکر از متظاهرين ، به منبر رفتند و کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان را مورد حمله

شدیدی قرار دادند و فرمودند در میان آنها عوامل امریکایی وجود دارد و آنها ضدیت دارند با خلق عرب خوزستان. به این ترتیب افراد ناآگاه و ناصالحی که در اوج احساسات بودند، احساساتی تر شدند. این عوامل... از مسجد که خارج شدند شروع به تیراندازی کردند و یگراست با ماشین‌های وانت بار به طرف ساختمان کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر حمله ور شدند و بسیاری از برادران پاسدار و مومن حتی کم سن و سال ما را در میان شعله‌های مهیب آتش و انفجارات سنگین و رگبار مجروح و دستگیر کردند و پس از این اعمال زشت و نکبت بار، این ضدانقلاب‌های ضداسلام سرخوش از این پیروزی شروع به شعار دادن نمودند: «نحن العرب و هنا عربستان» و به این ترتیب ماهیت کثیف و ضدانقلابی خود را روشن ساختند. برادران ما در میان شعله‌های آتش و با آن که مسلح بودند و حتی می‌توانستند پوزه همگی آنها را به خاک بمالند، اسلحه به زمین گذاشته و برای این که این حمله را تبدیل به یک جنگ منطقه‌ای نکنند، خود را تسلیم نمودند. « (۶) »

۷۶

روزنامه اطلاعات امروز طی خبری نوشت: در پی اعتصاب یکپارچه کارکنان شرکت «ایران ترمینال»، درهای گمرک خرمشهر بسته شد و کامیون‌ها در پشت درها متوقف ماندند. اعتصاب کنندگان در آخرین اعلامیه خود خواستار قطع دست پیمانکاران و رسیدگی هرچه سریع تر به خواست‌های خود شدند. « (۷) »

۷۷

عزالدین حسینی به همراه هیئتی از روحانیان کردستان وارد تهران شد و امروز بعدازظهر برای ملاقات با امام خمینی عازم قم خواهد شد. به گزارش روزنامه کیهان شیخ عزالدین حسینی در این باره گفت: «هدف از این دیدار در مرحله اول دیدار امام و سپس مطرح کردن مسائل مملکتی خواهد بود... این دیدار در سطح یک هیئت روحانی می‌باشد و در میان اعضای هیئت، ملاعبده الله محمدی امام جمعه جدید سقز، قاضی خضری امام جمعه اشنویه، حاج ملاصالح رحیمی امام جمعه نقده، سیدجلال الدین حسینی امام جمعه بانه و چند تن دیگر از رهبران کردستان نیز حضور دارند. «عزالدین حسینی اضافه کرد: «شناسایی و تفاهم و نزدیک شدن نظرات از دیگر هدف‌هایی است که در ملاقات با مقامات دیگر مورد نظر خواهد بود. « (۸) » شیخ عزالدین حسینی پیش از عزیمت از مهاباد گفت: «این سفر نشان دهنده حسن نیت خلق کرد است و اختلاف‌های ایدئولوژی نباید باعث این باشد که در مقابل یکدیگر قرارگیریم... ما غیر از حق قانونی خود چیز دیگری نمی‌خواهیم. ما تجزیه طلب نیستیم. « (۹) »

۷۸

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شعبه ارومیه اعلام موجودیت کرد و در بخشی از بیانیه خود هشدار داد: توطئه‌ها و دسایسی از سوی غارتگران و عوامل سرسپرده غارتگران شرق و غرب انقلاب ما را تهدید می‌کند، با توجه به این موضوع، ایجاد نیروی متشکل از افراد صادق و

خدمت گزار ضروری به نظر می‌رسد تا جلو اعمال خلاف شئون اسلامی و نقشه‌های ضدانقلابی افرادی که خود را در میان ملت و کمیته‌ها و سازمان‌ها جا زده بودند گرفته شود. (۱۰)

۷۹

وظایف و نحوه عملکرد دادگاه‌های انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت الله شریعتمداری، آیت الله خلخالی (رئیس دادگاه‌های انقلاب) و امام خمینی از مهمترین مسائل منتشره در مطبوعات امروز کشور بود. در این باره، روزنامه اطلاعات مصاحبه‌ای را با آیت الله شریعتمداری درج کرد که در آن، آیت الله در پاسخ به این سوال که «نحوه محاکمه» در نظام جدید چگونه باید باشد؟ گفت: «محاکم یا باید محکمه شرعی باشد یا دولتی و بین‌المللی. باید به مردم گفت که به چه اتهامی می‌شود کسی را گرفت، چه مدتی باید متهم را برای اثبات گناهش در بازداشت نگه داشت. در حال حاضر که دولت به آن قدرت مطلوب و مورد نظر نرسیده، اتفاق‌هایی که ما می‌شنویم، صورت می‌گیرد، حالا هم خشونت هست و هم ترس وجود دارد و هم خلاف محبت» وی در مورد موضوع عفو عمومی که این روزها مطرح است، گفت: «به اعتقاد ما کلمه عفو درست نیست و البته باید قید کنم که در بررسی مسئله عفو عمومی قبلاً شایسته است میزان جرم و نحوه ارتکاب جرم براساس قانون شرع با میزان‌های خاص خود روشن شود؛ این یک مسئله فقهی و حقوقی است و بخصوص در علم حقوق، من کتاب‌های زیادی دارم که تشخیص کیفیت جرم مشخص شده است. این مسئله ساده‌ای نیست که هر کسی در هر مسئله‌ای ادعای تخصص کند. به عقیده ما باید اسم عفو عمومی را بگذاریم ترک تعقیب، یعنی مرزی روشن شود که هر فردی که دست به آدم کشی زده است و بالفرض رئیس اداره‌ای بوده است، تعقیب نشود.

از همه اینها گذشته، جرم هم ثبوت قانونی می‌خواهد و هر محکمه‌ای باید با حضور مجتهد باشد. در کتاب‌های ما آمده است که مجتهد نمی‌تواند به غیرمجتهد اجازه قضاوت بدهد. درست مثل این که یک طبیب نمی‌تواند به غیرطبیب اجازه طبابت دهد. کار رسیدگی به جرم که قابل توکیل نیست، چون اعمال نظر در کنار خود دارد. در بسیاری از محاکم، اولین مطلبی که وکیل مدافع مطرح می‌کند اعتراض به نحوه تشکیل دادگاه است که می‌گویند این محکمه صلاحیت رسیدگی به این مسئله را ندارد، یعنی هر محکمه صالحه شرایطی دارد و هر محاکمه و کیفیت آن باید با قوانین بین‌المللی تطبیق داشته باشد. ما نمی‌گوییم که مجرم باید عفو بشود، مجازات مجرم خواست جامعه است و کار عفو نباید جنبه شخصی بگیرد. باید عفو عمومی را تجدید نظر قرار داد و به جای آن ترک تعقیب را نشانند و در جایی که جرم روی موازین شرعی و حقوقی معین نشده باشد، به ترک تعقیب نه عفو عمومی توسل جست. « (۱۱)

از سوی دیگر، آیت الله صادق خلخالی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی نیز در یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی شرکت کرد و به مسائلی که درباره دادگاه‌های انقلاب بر سر زبان‌ها است، (۱۲) پاسخ گفت. وی اظهار کرد:

«دادگاه‌های انقلاب از الگوهای اسلامی و ایرانی استفاده می‌کند و الگوهای غربی مورد نظر

قرار نخواهد گرفت. دادگاه‌های انقلاب تبلور خشم انقلابی توده‌های مسلمان است و در این زمینه از هیچ گونه الگوی غیراسلامی استفاده نمی‌کند. «وی گفت: «این شایعه که اعضای دادگاه با ماسک در دادگاه حاضر می‌شوند، دروغ محض است و ما همان طور که خبرنگاران دیده‌اند بدون ماسک در دادگاه حاضر می‌شویم.» وی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: «محکومان دادگاه‌های انقلاب کسانی هستند که در کشتار، شکنجه، سلب آزادی، اختناق، خفقان، سانسور و ترویج فساد در زمین شرکت داشته‌اند و با به راه‌انداختن برنامه‌هایی از قبیل جشن دو هزار و پانصد ساله، جشن هنر و غیره نه تنها ثروت مملکت را بر باد می‌دادند بلکه موجب فساد در زمین می‌شدند. گرچه ممکن است بعضی از اینها مستقیم در شکنجه کردن مردم شرکت نداشته باشند ولی جنایات افرادی نظیر هویداها، نصیری‌ها و یا جهانبانی‌ها بر کسی پوشیده نیست. هویدا برای نجات خود مبلغ یک میلیون تومان رشوه پیشنهاد کرده بود اما دادگاه‌های انقلاب همچنان که به باندهای عقرب و اکیپ خرابکاری ساواک رحم نکرد به هویدا نیز رحم نکرد.»

آیت الله خلخالی شرکت وکلای مدافع را در دادگاه‌ها رد کرد و گفت: «اینها با گشتن دنبال ماده قانون می‌خواهند وقت دادگاه‌ها را بگیرند و مردم را معطل کنند. در میان کسانی که به محض دستگیری اعدام خواهند شد باید از بختیار آخرین نخست وزیر شاه، اویسی، پالیزبان، نهاروندی، اردشیر زاهدی، فریده دیبا و شریف امامی نام برد.» آیت الله خلخالی سپس اسامی محکومان به اعدام را به این شرح اعلام کرد: ۱ - محمدرضا پهلوی شاه سابق ایران ۲ - غلامرضا پهلوی ۳ - فرح پهلوی ۴ - اشرف پهلوی ۵ - فریده دیبا (مادر فرح) ۶ - جعفر شریف امامی ۷ - غلامرضا

ازهاری ۸ - شاهپور بختیار ۹ - غلامعلی اویسی ۱۰ - عزیزالله پالیزبان ۱۱ - شعبان جعفری (شعبان بی مخ) ۱۲ - هوشنگ نهاروندی ۱۳ - اردشیر زاهدی و تعداد دیگری از طرفداران محکوم به اعدام شده‌اند. «وی افزود: «در نظر ملت هرکس بخواهد در خارج یا در هر کجا اینها را ترور کندهیچ دولتی حق ندارد آنها را بازداشت کند به عنوان این که او تروریست است، زیرا او عامل اجرای حکم دادگاه انقلاب اسلامی است لذا آنها مهدورالدم هستند، در هر کجا باشند حکمشان همین است، مسلمانان و غیر مسلمانان فرقی نمی‌کند حتی ایالات متحده آمریکا نمی‌تواندشاهی را که به اعدام محکوم شده پناه دهد، نه این که مجرم سیاسی است بلکه مجرم اقتصادی.»



آیت الله خلخالی

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی

آیت الله خلخالی در مورد وضع قره باغی گفت: « من نمی‌توانم در مورد این شخص قضاوت کنم ... از عفو عمومی هم خبری ندارم . » او جراید خارجی را متهم کرد که با انقلاب ایران سر عناد دارند . « او گفت : « ما نقشه تمام امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها را نقش بر آب می‌کنیم . دست‌های آنها را قطع کرده‌ایم . » او گفت : « دادگاه نورنبرگ کسانی را محاکمه می‌کرد که هیچ وقت تیر و تفنگ به دست نگرفته بودند اما همه آنها در ردیف هیتلر بودند ، هیتلر ایرانی یعنی شاه نیز عوامل و یادی داشت که سیاست‌های جنایتکارانه خود را از طریق آنها اعمال می‌کرد . »

آیت الله خلخالی در قسمت دیگری از سخنانش گفت : دستگیری پسر آیت الله مشکینی باید سرمشقی باشد برای همه مردم ایران . من دیشب به او تلفن کردم ، او کاملاً ناراحت بود ، می‌گفت : « پسر من اگر مقصر است باید مجازات شود . » ما تا زمانی که دست‌های اف . بی . آی . ، ساواک ، سیا و امپریالیست‌های مختلف از ایران قطع نشده خون می‌دهیم و تسلیم نمی‌شویم . از نظر شرعی هر کس مجرم شناخته شود غذا دادن به او حرام است و به همین جهت به محض صدور حکم ، این افراد را در برابر جوخه‌های انقلاب قرار می‌دهیم . در قرآن این مسئله مطرح نیست که حتماً و کیلی باید برای متهم در نظر گرفته شود . دست‌های زیادی بودند که می‌خواستند مثل دادگاه‌های غربی هویدا و نصیری و مقدم محاکمه شوند ولی ما این دست‌ها را قطع کردیم . مثلاً القانیان به دادگاه پیشنهاد کرده بود که محاکمه اش به تاخیر بیفتد و در عوض ۵۰۰ میلیون تومان بدهد ، ولی دادگاه قبول نکرد . در هنگام محاکمه سردمداران بزرگ رژیم طاغوتی ، ما احساس می‌کردیم فشارهایی بر دادگاه‌ها هست ولی دادگاه‌ها با کمال رشادت به کار خود ادامه دادند . « (۱۳)

دفتر امام خمینی شب هنگام ۵۸/۲/۲۳ اطلاعیه‌ای از ایشان انتشار داد که عملاً پایانی بر انواع اظهار نظرها در این باره محسوب می‌گردد . متن اطلاعیه مزبور به شرح زیر است :

بسم الله الرحمن الرحيم

آقای دادستان دادگاه انقلاب اسلامی در غیر از دو مورد زیر : ۱ - کسی که ثابت شود که آدم کشته است ؛ ۲ - کسی که فرمان کشتار عمومی داده است و یا مرتکب شکنجه‌ای شده که منجر به مرگ شده باشد ؛ هیچ دادگاهی حق ندارد حکم اعدام صادر کند و نباید اشخاص در غیر از دو مورد مذکور اعدام شوند تخلف از امر جرم است و موجب ثبوت قصاص .

روح الله الموسوی الخمينی (۱۴)

۸۰

به گزارش آسوشیتدپرس ، نشریه آبزورر چاپ لندن در مقاله‌ای ضمن برحذر داشتن امریکا از توسل به زور برای تامین منافع خود در حوزه خلیج فارس ، نوشت : در شرایط موجود هرگونه مداخله نظامی امریکا در خاورمیانه نتایجی خطرناکتر از واقعه کانال سوئز که به تضعیف غرب در خاورمیانه منجر شد به بار خواهد آورد . آبزورر با اشاره به استقرار ناو هواپیمابر " میدوی " در نزدیکی خلیج فارس تاکید کرد مقامات پنتاگون و سایرین در واشنگتن اخیر نغمه دست یابی امریکا به چاه‌های نفت خلیج فارس را از راه توسل به زور و اعزام تفنگدار دریایی ساز کرده‌اند و



طرح‌هایی نیز در این زمینه از قبیل آماده ساختن نیروی ویژه صدهزار نفری آماده ساخته‌اند. (۱۵)

۸۱

خبرگزاری فرانسه در تفسیری تحت عنوان «آینده اقتصاد ایران» اعلام کرد: «در حالی که اقتصاد جهان غرب را بحران جدید نفتی تهدید می‌کند، دولت انقلابی ایران همچنان میزان تولید نفت خود را محدود کرده و قیمت‌ها را افزایش می‌دهد. یک سوم تولید نفت این کشور که در زمان شاه روزانه ۶ میلیون بشکه بود کاهش یافته و هم اکنون ۴ میلیون بشکه نفت روزانه تولید می‌شود ولی عایدی ارز خارجی آن اگر از پیش از انقلاب بیشتر نباشد، با آن مساوی است.» براساس این گزارش، شرکت ملی نفت ایران اعلام کرده است که «انتظار می‌رود درآمد سالیانه ایران از محل صادرات نفت ۲۲ میلیارد دلار بشود و حال که دولت ایران خرید تجهیزات نظامی خارجی را متوقف کرده، محل بیشتری برای انجام عملیات اقتصادی دارد. به موازات قطع خرید تسلیحات، دولت انقلابی تصمیم گرفته است واردات اتومبیل و وسایل تزئینی را کاهش دهد که این روش خود راهی برای جلوگیری از تورم وارداتی است.» خبرگزاری فرانسه در بخش دیگری از تفسیر خود اذعان داشت: «نخستین وظیفه دولت موقت انقلاب احیاء اقتصاد و کاهش بی‌کاری است. عملیات در اغلب بخش‌های صنعتی مجدد آغاز شده است، طرح‌های عمرانی استان‌ها آغاز شده و در تهران هم عملیات ساختمانی مجدد رونق گرفته است.» (۱۶)

۸۲

صدام حسین نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق گفت: نه‌امریکا و نه‌کشور دیگری



صدام حسین

نائب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق

نمی‌تواند منابع نفت را اشغال و روابط خود را با کشورهای تولیدکننده نفت به همانند بیست سال پیش بازگرداند. وی اضافه کرد روابط بین‌الملل به نحوی پیش رفته که چنین مداخله‌ای را اجازه نمی‌دهد. صدام حسین در بخش دیگری از سخنان خود گفت: نبرد با بنیاد صهیونیستی درازمدت و دشوار خواهد بود. وی ابراز اطمینان کرد که نتیجه به نفع امت عرب خواهد بود. صدام درباره وحدت عراق و سوریه تاکید کرد که این وحدت معنای ویژه‌ای نه تنها در حساب‌های سیاسی - نظامی و اقتصادی کنونی [دارد] بلکه در چارچوب تاریخی، پی‌ریزی وحدت و تمدن عربی [را] خواهد داشت. (۱۷)

وزیران خارجه سوریه و عراق در مصاحبه‌ای گفتند برنامه‌ای مربوط به ادغام این دو کشور در یکدیگر به آرامی جریان دارد و بزودی عمل خواهد شد. سعدون حمادی وزیر خارجه عراق و عبدالحلیم خدام همتای سوری وی هر یک در مصاحبه جداگانه‌ای که با هفته نامه "ماندی مورنینگ" چاپ بیروت به عمل آوردند این مطلب را عنوان کردند. سعدون حمادی گفت: «هدف از ادغام دو کشور، تشکیل دولتی واحد با یک رئیس جمهوری است و طی چند ماه این کار عملی خواهد شد.» عبدالحلیم خدام با خوش بینی بیشتری در این مورد اظهار نظر کرده و گفت: در خلال چند هفته آینده ادغام سوریه و عراق صورت خواهد گرفت. (۱۸)

### ضمیمه خبر شماره ۷۴

روایت‌های دیگری هم از درگیری امروز خرمشهر وجود دارد، از جمله جبار بیگی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر و یکی از شاهدان حادثه، چگونگی حمله به ساختمان کانون فرهنگی - نظامی جوانان مسلمان خرمشهر و علل شدت گرفتن درگیری‌های خرمشهر را چنین بیان می‌کند: در روز ۲۳ اردیبهشت [۱۳۵۸] یک سخنرانی در مسجد شیخ شد. از اهواز و این طرف و آن طرف نیروهای خلق عرب آمده بودند. گوش دادیم، گفتیم: کی سخنرانی می‌کند؟ یکی از عرب‌ها گفت: «شیخ است، دارد خطابه می‌گوید.» صحبت‌هایی می‌کرد ما گوش دادیم و یک چیزهایی به گوشمان رسید. یک چیزی گفت ما متوجه نشدیم، سوال کردیم چی می‌گوید؟ یکی گفت که می‌گوید: «در این کانون عجم‌ها، یک مشت آمریکایی نشسته‌اند و حق عرب‌ها را دارند می‌خورند و باید حق خود را از آن‌ها بگیرد. باید این کانون‌ها را خراب کنید.» که یک مرتبه دیدیم جمعیت بلند شد و یک شعاری به عربی «فلیسقط الکانون» می‌گفتند؛ یعنی «کانون باید نابود شود.» من که وضع را این طوری دیدم، به چند نفر از برادرها گفتم بروید اطلاع بدهید به کانون که برنامه این طوری است و دارند می‌آیند. بگویید لااقل اسلحه‌هایتان را بردارید و خارج بشوید، چون ممکن است بیایند کشت و کشتار بشود. با این حال باز مطمئن نشدیم، با یکی از دوستان رفتیم آن جا [کانون] دیدیم یکی از برادرها نشسته، او را نمی‌شناختم. گفتیم که یک عده‌ای دارند به طرف شما می‌آیند و الان درگیری می‌شود و شعارشان هم این است که کانون باید خراب بشود.

او یک عده‌ای را خارج کرد، یک عده‌ای هم گفتند: «می‌مانیم، اگر دیدیم وضع خیلی بحرانی است تسلیم می‌شویم. به هر حال نمی‌گذاریم درگیری بشود، ولی ما این جا را نباید ترک کنیم.» در ساختمان کانون دو سه نفر از ساواکی‌های معروف زندانی بودند. یک عده‌ای از قاچاقچی‌ها و سرمایه دارها هم که آن موقع چون اول انقلاب بود از تهران و جاهای دیگر آمده بودند تا به خارج از کشور فرار کنند، دستگیر شده و در کانون زندانی بودند.

ساختمان کانون قبلا خانه یکی از روسای ساواک بود، طوری که لباس‌های زنانه و وسایل و اینها همه در آن بود. علاوه بر این، بچه‌های کانون یک سری مشروبات الکلی و شراب گرفته بودند و با یخچال در یکی از اتاق‌های کانون گذاشته بودند. هنوز صحبت تمام نشده بود، دیدیم صدای تیراندازی نزدیک می‌شود و دارند می‌آیند. فرصت نبود که ما از آن جا بیرون برویم. رفتیم پشت بام کانون دیدیم رسیدند. نقشه آنها این

بود که از دو طرف، یعنی از بازار و از طرف مرزبانی دژبانی بیایند و کانون را محاصره بکنند. به صورت گزانبیری دور کانون را گرفتند. گفتند: «بیاید پایین!» کسی جواب نداد تا فکر کنند ساختمان خالی است. یکهو بچه‌ها را دیدند و شروع کردند به تیراندازی به طرف بچه‌هایی که بالای ساختمان بودند. افرادی مثل کریم حق جو، حبیب معروف به حبیب چرکو، صالح موسوی، مجید خیاطزاده که ۱۴، ۱۵ سال بیشتر نداشت و یکی به نام اقبال و فردی معروف به جمشید تکاور با چند نفر دیگر از برادرها به اسم غلام - که به او غلام چیفتن می‌گفتند - در بالای ساختمان سنگر گرفته بودند. آنها چند تا ژ ۳-، دو قبضه یوزی و حدود هزار عدد فشنگ داشتند. اینها حمله کردند یکی از بچه‌ها یک رگبار هوایی زد و اینها فرار کردند. یکی از بچه‌ها گفت: «برویم دنبالشان.» حبیب گفت: «نه اگر پایین برویم ممکن است درگیری شدیدتر بشود و اینها دوباره حمله کنند، چون ممکن است از کماندوهای عراقی آمده باشند با آنها و هیچ بعید نیست، چون مرز دست آنها است و خرابکارهای عراقی ممکن بود با آنها آمده باشند و نتوانیم مقابله کنیم. بگذاریم این قائله خاتمه پیدا کند.» در همین حین مهاجمین با آتش شدید دوباره حمله کردند اما چون دیدند در پشت بام نمی‌توانند کاری بکنند، ماشین‌های شخصی پارک شده در پشت کانون را به آتش کشیدند و یک موتور را هم سوزاندند. باز دیدند عکس‌العملی نشان نمی‌دهیم. دراز کشیده بودیم دیدیم یکی شان دارد از درخت رو به روی کانون بالا می‌آید که از بالای درخت تیراندازی کند. یکی از بچه‌ها زد تو پایش و او را از درخت پایین انداخت. یک عده دیگر رفته بودند روی ساختمان ۵۰۰ متری دست چپ کانون که متعلق به شهربانی بود که همان لحظه اول آن را خلع سلاح کرده بودند و سرهنگ حجازی فرمانده شهربانی را می‌خواستند بکشند که توانست از دست شان فرار کند. هیچ کس از افراد شهربانی در مقابله حمله آنها عکس‌العملی نشان نمی‌داد. آتش خیلی زیاد شد. یک بار دیگر بچه‌ها کوکتل انداختند، اما این دفعه دیگر فرار نکردند و کوکتل انداختند توی کانون و به داخل ساختمان نفوذ کردند. آبجوها و مشروباتی را که در یخچال بود بیرون آوردند و این خودش یک تبلیغات وسیعی برای آنها بود. وقتی این چیزها را دیدند بیشتر آتشی شدند. چون در اتاق‌ها را شکستند با دیدن لباس‌های زنانه دومین وسیله تبلیغی هم جور شد که بله کانون این فسادها را می‌کند، این هم مدارکش، دیگر نمی‌شد هیچ کاری کرد. جلو آتش خشم اینها را اصلا نمی‌شد گرفت. در این بحبوحه، کوکتل انداختند توی کانون و ساختمان آتش گرفت. راه به رویمان بسته شده بود، دیگر راه پایین آمدن نبود. جمشید تکاور یک رگبار زد. وقتی دیدیم چاره‌ای نیست، شروع کردیم به تکبیر گفتن. به عربی می‌گفتیم: «بابا ما عرب هستیم، ما فارس نیستیم. ما مسلمان هستیم.» اینها را که گفتیم، درگیری بین خودشان شد، یعنی حتی همدیگر را می‌زدند. عده‌ای می‌گفتند بیایید پایین ولی اسلحه‌هایتان را بدهید. اگر ما اسلحه را به دست آنها می‌دادیم، بهانه بزرگی برای آنها می‌شد و می‌گفتند اینها را با اسلحه گرفتیم، می‌خواستند ما را بکشند، آنها را گرفتیم. حبیب بلند به عربی با آنها صحبت کرد که من عرب هستم این هم اسلحه‌ها، به شما هم نمی‌دهم و هر کاری می‌خواهید بکنید. دوباره شروع کردند به تیراندازی.

جمشید تکاور گفت: «ما می‌توانیم بزنی همه آنها را بکشیم.» اسلحه را بلند کرد که بزنی حبیب کلت را گذاشت رو سرش گفت: «اگر یک تیر بزنی تو را می‌کشم، نباید یکی از اینها از طرف ما زخمی بشود. بگذارید ما بسوزیم، فدا بشویم ولیکن اینها بدانند که توطئه هست.» پس از مدتی که آتش همه جا را فرا

گرفت به ناچار و با استفاده از فرصت یکی یکی پایین آمدیم و اسلحه‌ها را مسلح به داخل می‌انداختیم که در اثر آتش منفجر بشود و خراب بشود تا دیگر نتوانند استفاده کنند. یکی یکی پایین آمدیم. یک فرد دزفولی بود پایین آمد، او را گرفتند کتکش زدند و به زندان بردند. دومین نفر من بودم که پایین آمدم. چون زبان عربی می‌دانستم قاطی آنها شدم و کسی من را نشناخت. سومین نفر کریم حق جو بود، همین که آمد از میله پایین بیاید یکی با کلت زد به ستون فقراتش که تیر به نخاعش خورد و قطع نخاع شد. غلام چیفتن هم پایین پرید خواست کلک بزند و فرار کند، به سرش ریختند او را زدند و افتاد و بی هوش شد. من فرار کردم و رفتم فرمانداری که اطلاع بدهم که بچه‌ها را گرفتند. رفتیم فرمانداری دیدیم عده‌ای از روحانیون و فرماندار نشسته‌اند. نماینده‌هایی هم شیخ شبیرخاقانی فرستاده بود که آن جا صحبت کنند و قال قضیه را بکنند. علوی فرماندار خرمشهر با نماینده‌های شیخ مذاکره کردند و خلاصه آن غائله تمام شد و آن آتشی که ما نمی‌خواستیم در منطقه بگیرد، شعله ور شد. دو دستگی عجیبی افتاد. آنهایی که فارس زبان بودند بدبین شدند که عرب‌ها این کار را کردند آنهایی هم که عرب بودند بدبین شدند که بله کانون عجم‌ها مرکز فساد بوده است. جو شایعه بالا گرفت و به این ترتیب جنگی ناخواسته بین عرب و عجم آغاز شد. (۱۹)

### منابع و ماخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۳

- ۱ - روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۴، ص ۷.
- ۲ - سند شماره ۴۵۴، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: سلسله تحقیقات تاریخ جنگ - ۱، جنگ در خرمشهر، ص ۴۳.
- ۳ - ماخذ شماره ۱، ص ۷.
- ۴ - روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۴، ص ۸.
- ۵ - ماخذ شماره ۱، ص ۷.
- ۶ - سند شماره ۲۰۹۸۹۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اطلاعاتی دانش آموزان مسلمان خرمشهر، ۵۸/۲/۲۳.
- ۷ - ماخذ شماره ۱، ص ۳.
- ۸ - روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۳، ص ۳.
- ۹ - روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۳، ص ۲.
- ۱۰ - ماخذ شماره ۸، ص ۸.
- ۱۱ - ماخذ شماره ۹، ص ۷.
- ۱۲ - ماخذ شماره ۹، ص ۲.
- ۱۳ - ماخذ شماره ۸، ص ۱.
- ۱۴ - ماخذ شماره ۴، ص ۷.
- ۱۵ - ماخذ شماره ۹، ص ۸، آسوشیتدپرس به نقل از "آبزور" چاپ لندن.
- ۱۶ - خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۵۱، ۵۸/۲/۲۴، ص ۱، خبرگزاری فرانسه.
- ۱۷ - ماخذ شماره ۱۶، ص ۲۰، رادیو کویت.
- ۱۸ - ماخذ شماره ۴، ص ۲، رویتر.
- ۱۹ - سند شماره ۳۹۹۵ پ. ن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، [مصاحبه برادر پاسدار جبار بیگی عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر، ۱۳۶۰] نوار شماره ۲۷۲۴، ص ۸۴ - ۵۷.